

A Study of the Political Actions of Shiite Groups in Yemen

Hossein Ahmadi Sefidan*

Assistant Professor of Political Science, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author)

ho.ahmadi@tabrizu.ac.ir

Mouloud Saeidi Athar

M.A. in Sociology of the Islamic Revolution, Secretary of Education, Tabriz, Iran

saeidiathar@gmail.com

Abstract

Objective: Examining the political actions of Yemeni Shiite groups is the main concern of this article. Yemeni Shiite groups, especially the Imams, Ismailis and Zaydis, make up a large part of the Yemeni Shiites. They ruled the country for more than a thousand years, but lost power in 1962 with a coup sponsored by Egypt.

Method: The method of this research is content analysis using Quentin Skinner's theory.

Results: Findings show that the Twelvers and the Ismailis are under the umbrella of the Zaidis in Yemen, and the Yemeni social context has been such that led to the emergence of different characters and various currents of thoughts among the Zaydi Shiites.

Conclusion: The results show that Zaydi's interpretation of the concept of Imamate, although in the theoretical field has given him a moderate approach compared to other Shiite sects, but in political actions has led to radical actions and political pragmatism. The result of these actions has been influenced by their background and thought context in the past.

Keywords: Political Action, Yemeni Shiites, Zaydis, Ismailis, Imams, Yemeni Ansarullah sect and movement.

Article Type: Research

بررسی کنش‌های سیاسی گروه‌های شیعی در یمن

حسین احمدی سفیدان*

استادیار، علوم سیاسی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول) ho.ahmadi@tabrizu.ac.ir

مولود سعیدی اظهر

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی، دبیر آموزش و پرورش، تبریز، ایران saeidiathar@gmail.com

چکیده

هدف: بررسی کنش‌های سیاسی گروه‌های شیعی یمن، دغدغه اصلی این مقاله است. گروه‌های شیعی یمن بویژه امامیه، اسماعیلیه و زیدیه بخش وسیعی از شیعیان یمن را شامل می‌شوند. آنان بیش از هزار سال حکومت را در این کشور در دست داشتند، ولی در سال ۱۹۶۲ با کودتایی که با حمایت و تحریک کشور مصر انجام گرفت، قدرت را از دست دادند.

روش: روش انجام گرفته در این پژوهش تحلیل محتوا با بهره‌گیری از نظریه «کوئنتین اسکیر» است.
یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد در یمن، اثنی عشریه و اسماعیلیه زیر چتر حمایتی زیدی‌ها قرار دارند و بستر اجتماعی یمن به گونه‌ای بوده که منجر به ظهور شخصیت‌ها و جریان‌های فکری متنوعی در میان شیعیان زیدیه گردیده است.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد تفسیر زیدیه از مفهوم امامت هر چند در حوزه نظری، ایشان را در مقایسه با سایر فرق شیعی رویکردی معتدل بخشیده است اما در عمل و کنش‌های سیاسی، به سمت و سوی اقدامات رادیکال و عمل‌گرایی سیاسی کشانیده و حاصل این اقدامات متاثر از زمینه‌ها و بسترهای فکری در گذشته آنان بوده است.

واژگان کلیدی: کنش سیاسی، شیعیان یمن، زیدیه، اسماعیلیه، امامیه، فرقه و جنبش انصارالله یمن.
نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

تمدن نوین غربی بهره‌های فراوانی از میراث تمدن‌ساز شرقی برده‌اند، اما با این وجود در طی قرون و اعصار، شاهد هستیم که در بسیاری از موارد، بنیان‌ها و چهره‌های تمدنی غرب الگویی برای پیشرفت شرق مخصوصاً جهان اسلام و حاکمان غرب‌گرای آن گشته و با وجود تحولات نو در جهان غرب، آنان در برخورد با مسلمین با سدی نفوذناپذیر و مقاوم به نام اسلام مواجه گردیده‌اند. بنابراین طبیعی است که خواستار از میان برداشتن این مانع بزرگ هر چند مقاوم و ریشه‌دار برآیند؛ آن هم در شرایطی که جهان اسلام بنا بر دلایلی همانند انحطاط داخلی آن گونه که باید برای این رویارویی نفس‌گیر آماده نبود. با این وجود، قرن حاضر به دلیل شدت و وسعت آن زیاده‌طلبی‌ها و اشغالگری‌ها و در برابر آن آگاهی جهان اسلام، قرن بیداری مسلمین و تجدید حیات اسلام گردید.

بیداری و تجدید حیات مسلمانان خود عاملی است که سبب شد آنان با درک نحوه هجوم تمدن غرب به حیات اسلام، در مواجهه با آن برآیند. این تلاش‌ها خود آغازگر بیداری و پیدایش جنبش‌های اسلامی بسیاری در جهان معاصر شده است که با شدت و گستردگی ادامه دارد و گاه‌گاهی در گوشه‌ای از بلاد اسلامی مشاهده می‌شود. حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان یمن همواره در طی دوره‌های گوناگون تاریخی و تحت تأثیر عوامل گوناگون، با فراز و نشیب‌هایی توأم بوده است. به عنوان مثال؛ شیعیان زیدی یمن که دوره‌ای طولانی در این کشور حکومت می‌کردند، از اوایل دهه ۱۹۶۲ تحت فشار حاکمان آن، بسیاری از حقوق اجتماعی و سیاسی خود را از دست دادند و این منجر به وجود آمدن احزاب و جریانات متعددی؛ از جمله جنبش انصارالله یمن گردید. از آنجایی که جمعیت قابل توجهی از کشور یمن را شیعیان این منطقه تشکیل می‌دهند؛ لذا بررسی زمینه‌های شکل‌گیری کنش‌های سیاسی آنان ضروری به نظر می‌رسد. لازم به ذکر است که این پژوهش کوششی در زمینه بررسی کنش‌های سیاسی شیعیان یمن خواهد بود که براساس نظریه «کوئنتین اسکیر» و با استفاده از اسناد موجود و منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

محور اصلی پژوهش انجام گرفته پاسخگویی به این پرسش است که کنش‌های سیاسی گروه‌های شیعی یمن بر چه بنیادی استوار است؟

فرضیه پژوهش حاضر نیز بر این مبنا استوار است که «بهره‌گیری از مفهوم امامت در بین گروه‌های شیعی یمن به‌ویژه زیدیه هرچند در حوزه نظری آن‌ها را معتدل و میانه‌رو نشان می‌داد، اما در هنگام عمل و کنش سیاسی، دست به اقدام تند می‌زدند.»

پیشینه تحقیق

بررسی کنش‌های سیاسی گروه‌های شیعی فعال در یمن موضوعی است که پژوهشگران تاکنون کمتر آن را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به آثار زیر اشاره نمود:

۱- «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر پیدایش جنبش الحوثی یمن؛ بیات، مرتضی، ۱۳۹۵، مؤسسه انتشارات/میرکبیر». در فصل چهارم این اثر با عنوان زیدیه در یمن، ضمن پرداختن به مفهوم‌شناسی تاریخ زیدیه، تاریخ پیدایش و سیر تاریخی دولت‌های زیدیه و گستره قلمرو آنان را بیان نموده است. وی خاطر نشان کرده است که انقلاب اسلامی ایران، قدرت تشیع را به لحاظ فکری و فرهنگی تقویت نمود، در شرایطی که از یک سو مذهب زیدی در این کشور به دلیل فقدان آگاهی عمیق از دین، تحولات روز و کمبود علمای دینی در حال اضمحلال بود و از سوی دیگر، فعالیت‌های وهابیت و مخدوش کردن ذهن جوانان زیدی مسلک توسط علمای وهابی، هر روز بر این مسأله دامن می‌زد. در این شرایط اگر انقلاب اسلامی ایران نبود، امروزه اثری از آیین زیدی در کشور یمن یافت نمی‌شد. گسترش افکار وهابی و ناسیونالیسم عربی تأثیر آشکاری در میان زیدیان داشت. اما انقلاب اسلامی ایران این فرصت را از جریان وهابیت گرفت و هویت شیعی را به آنان بازگرداند

۲- جنبش انصارالله یمن؛ (گروه مطالعات راهبردی معاونت فرهنگی، ۱۳۹۴، مجمع جهانی اهل بیت) این کتاب به رویکردهای مختلف زیدیه، اسماعیلیه و اثنی عشری‌ها پرداخته است. همچنین از فرقه زیدیه به عنوان پیشتاز این جریان نام برده است که در یمن فراز و فرود هایی را طی نموده است و امروزه به عنوان جنبش انصارالله یمن مطرح می‌شود و از دهه ۸۰ میلادی تا اوایل قرن حاضر، منجر به تغییراتی از رویکرد فرهنگی صرف به سمت و سوی سیاسی و انقلابی‌تر شدن و در نهایت تبدیل آن به جریانی فعال، فراگیر و اثرگذار می‌شود.

۳- حوثیان یمن: طباطبایی فر، سید محمد، ۱۳۹۵، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، پژوهشکده ادیان و مذاهب) در فصل اول این کتاب در نگاهی کلی به تاریخ زیدیه از پیدایش تا دوره معاصر پرداخته شده است. شش قیام مهم از قیام‌های زیدیه که از قیام زید بن علی در سال ۱۲۲ ه. ق) آغاز گردیده و تا حدود ۲۵۰ ه. ق) ادامه یافته است و نیز تاریخ پیدایش دولت‌های زیدیه همانند دولت ادرسیان، دولت طبرستان و دولت یمن که از زمان استقرار تا انقراض، چهار دوره را به خود دیده بود، بیان شده است. این پژوهش به لحاظ تاریخی به شکل‌گیری گروه الحوثی یمن پرداخته است. در هریک از موارد یاد شده، از منظری خاص به موضوع پرداخته شده است. به عنوان مثال؛ در کتاب «تأثیر انقلاب اسلامی بر پیدایش جنبش الحوثی یمن» به مفهوم‌شناسی تاریخ زیدیه، تاریخ پیدایش و سیر تاریخی دولت‌های زیدیه و ... اشاره شده است و در نهایت انقلاب اسلامی را به عنوان عاملی رهایی‌بخش برای آیین

زیدی و در برابر گسترش افکار وهابی و ناسیونالیسم عربی معرفی نموده است. در کتاب «جنبش انصارالله یمن» به رویکردهای مختلف فرق شیعی پرداخته شده است و فرقه زیدیه را به عنوان پیشیناز در تشکیل جنبش انصارالله یمن معرفی نموده است که در حال حاضر از رویکرد فرهنگی صرف به یک جریان فعال و تأثیرگذار تبدیل شده است و در اثر حوثیان یمن، شش قیام از قیام‌های زیدیه و نیز تاریخ پیدایش دولت‌های زیدیه را از زمان استقرار تا انقراض، طی چهار دوره بیان نموده است.

نوآوری تحقیق حاضر در این است که ما ضمن معرفی سه فرقه مهم از جریان تشیع در یمن، به بررسی کنش‌های سیاسی این سه گروه مهم شیعی بر اساس نظریه اسکینر^۱ پرداخته‌ایم.

چارچوب نظری تحقیق

یکی از عرصه‌های مطالعات در زمینه‌های سیاسی، اندیشه سیاسی است. اندیشه‌ها در طول زمان به روش‌های مختلفی مطالعه شده‌اند. شیوة قدما در مطالعات اندیشه‌های سیاسی اغلب توصیفی بوده است. یکی از روش‌هایی که به مثابه روش و چارچوب نظری در مطالعات سیاسی از آن استفاده می‌شود، نظریه هرمنوتیکی «کوئینتن اسکینر» است. وی بر رویکرد زمینه-گرایانه در بررسی و تحلیل پدیده‌های سیاسی تأکید می‌کند. زمینه‌گرایی به سازگاری با زمینه-های کالبدی و اجتماعی فرهنگی گفته می‌شود و هر پدیده‌ای در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد و در تعامل با یکدیگر هستند. او در مقاله‌های بسیار نوآورانه در سال ۱۹۶۹ استدلال کرد که فرایندهای متن‌گرا و زمینه‌گرای موجود، کاملاً ناپسند بوده و کار زمینه‌گرایانه جدید و به لحاظ تاریخی دقیق‌تری نیاز است. از ۱۹۶۹ تاکنون، او مجموعه‌هایی از ابزارهای تحلیلی و تفسیری را جهت تأمین این نیاز ابداع و فراهم نموده است. مجموعه‌هایی که در طیف گسترده‌ای از علوم اجتماعی و علوم انسانی کاربرد دارد. (حقیقت، ۱۳۸۵: ۳۵۵). نظریه اسکینر از همان آغاز حول سه محور تشکیل شده است: ۱- تفسیر متون تاریخی. ۲- بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک. ۳- تحلیل روابط ایدئولوژی با کنش سیاسی تجلی-بخش آن ایدئولوژی.

۱. زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری گروه‌های شیعی در یمن

تفسیر متون تاریخی، اولین محوری است که نظریه اسکینر را شکل داده است. از این رو به بررسی تاریخی زمینه‌های شکل‌گیری گروه‌های شیعی در یمن می‌پردازیم.

1. Quentin Skinner

شیعیان یمن به عنوان یکی از گروه‌های مهم این کشور اغلب در شمال یمن ساکن هستند و بیشتر به دلیل مسائل مذهبی، در حکومت‌های گذشته با تبعیض‌های فراوانی مواجه بوده‌اند. گروه‌های شیعی در یمن، سه دسته عمده را شامل می‌شوند:

۱-۱. شیعیان امامیه (اثنی عشری)

بزرگترین فرقه شیعه، شیعه جعفری یا اثنی عشری یا شیعه امامیه است که در اغلب کشورها کم و بیش حضور دارند و اغلب آن‌ها در کشورهای حاشیه خلیج فارس ساکن می‌باشند. شیعیان امامیه در یمن در دو شهر «عدن» و «صنعا» و همچنین در «جوف»، «مأرب»، «ذمار»، «رداع» و برخی از نقاط دیگر یمن به صورت پراکنده زندگی می‌کنند و فعالیت آنان نیز زیر نظر سازمانی به نام «رابطة الشيعة الجعفرية في اليمن»^۱ قرار دارد. جمعیت شیعیان اثنی عشری یمن ۲ تا ۸ درصد تخمین زده شده است.

۱-۲. شیعیان اسماعیلیه

از زمان صدر اسلام و آغاز مذهب تشیع، به مرور زمان فرقه‌ها و شاخه‌هایی در دوره امامان شیعه و پس از آن در این مذهب ایجاد شد. یکی از این فرق، شیعیان اسماعیلی هستند که امروزه بخش عمده‌ای از پیروان آن در کشور یمن زندگی می‌کنند.

جنبش شیعیان اسماعیلیه بخشی از شیعیان جهان را شامل می‌شود که قائل به امامت اسماعیل فرزند امام جعفر صادق (ع) پس از ایشان هستند. به دنبال شهادت امام جعفر صادق (ع) با اینکه بیشتر شیعیان درباره امامت موسی کاظم (ع) تردیدی نداشتند، گروهی از آنان مرگ «اسماعیل» را انکار کردند و در انتظار رجعت او به منزله امام قائم و مهدی موعود باقی ماندند. این گروه را «اسماعیلیه خالصه» یا «واقفه» نامیدند. و گروهی «محمد» فرزند ارشد اسماعیل را به امامت شناختند. این گروه نیز «مبارکيه» نام گرفتند. (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۵) برخی از منابع اسلامی و شیعی یکی از شاگردان امام صادق (ع) به نام «ابوالخطاب» را پایه‌گذار حقیقی این جریان سیاسی و مذهبی می‌دانند و به لحاظ جمعیت، این فرقه را در میان فرقه‌های مختلف شیعی، دومین بخش از شیعیان جهان معرفی می‌کنند. این فرقه در قسمت‌های مختلفی از جهان؛ از جمله سلسله جبال پامیر در افغانستان و کشور یمن و سایر نقاط جهان پراکنده‌اند.

در دوران عباسی و در عصر خلافت اولین امام فاطمی - اسماعیلی؛ یعنی «عبدالله مهدی» مراکش و مصر به دست نیروهای وفادار به خلیفه فاطمی یعنی بربرها فتح شد و خلفای فاطمی به عنوان امامان اسماعیلی اقدام به تأسیس خلافت فاطمی در برابر خلافت عباسی نمودند تا دوران خلافت «معاذ مستنصر» که فرقه اسماعیلیه به دو شاخه بزرگ «نزاریه» و «مستعلویه» تقسیم شدند. شاخه مستعلویه تا پایان خلافت فاطمی ادامه یافت، اما نزاریه که

۱. سازمان وحدت شیعیان جزیره در یمن که فعالیت‌های شیعیان زیدی و اثنی عشری را پوشش می‌دهد.

امروز نماینده بزرگترین شاخه اسماعیلیه است، ابتدا در جنبش «حسن صباح» و «امامان الموت» تبلور یافت و بعد تبدیل به فرقه «اسماعیلیه آقاخانیه» شد که تا به امروز توسط «پرنس کریم آقاخان چهارم» نمایندگی می‌شود و یکی از بزرگترین گروه‌های اسماعیلی در کشور یمن هستند. اولین داعیان اسماعیلی یمن «بوالقاسم حسن ابن فرج ابن حوشب کوفی» و «علی ابن فضل» بودند (رحمانی، ۱۳۹۷: ۲۰).

این دو داعی از سال ۲۶۸ ه. ق / ۸۸۱ م فعالیت تبلیغاتی خود را در مناطق کوهستانی یمن و در میان قبایل آنجا شروع کردند و تا سال ۲۹۳ ه. ق / ۹۰۵ م تقریباً تمامی آن دیار را تحت نفوذ خود درآوردند. (دفتری، ۱۳۶۳: ۱۸۲). آنان توانستند برای مدت کوتاهی در سال ۲۹۳ هجری، صنعاء پایتخت یمن را به تصرف درآورند. هرچند این دولت مستعجل بود، اما موجب گرویدن بسیاری از قبائل حمیری و همدانی یمن به مسلک اسماعیلی گشت. بسیاری از این قبائل امروزه در مناطق جنوبی عربستان سعودی و بخش‌هایی از یمن سکونت دارند. (رحمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۱). این فرقه علاوه بر تمایلات باطن‌گرایی و تأویل‌مداری در ظواهر شریعت، در بحث‌های هستی‌شناسی نیز دیدگاه‌های خاصی دارند. (مداحی، ۱۳۹۸) در بلاد گوناگون به نام‌های تعلیمیه، سبصیه و حشیشیه نیز خوانده شده‌اند. فرقه مشهور اسماعیلیه «باطنیه تعلیمیه» هستند. اسماعیلیانی که عمدتاً به شاخه نزاری این فرقه تعلق دارند، در بیش از ۲۵ کشور در قاره‌های آسیا و آفریقا و اروپا و آمریکا پراکنده‌اند. (دفتری، ۱۳۶۷)

۱-۳. شیعیان زیدیه

سومین فرقه موجود شیعه در عصر حاضر زیدیه است که اغلب در اطراف خلیج فارس سکنی گزیده‌اند، اما محل تجمع اصلی آن‌ها ظاهراً در کشور یمن می‌باشد. (علی عزیز، ۲۰۱۱)

یکی از افتخارات یمنی‌ها این است که به وسیله حضرت علی (ع) به دین اسلام ایمان آوردند. این عامل برجستگی خاصی به اهل تشیع این منطقه داده است. بنابراین زیدیه فرقه‌ای است که با پیروی از زید بن علی (ع)، حضرت علی (ع) را در منصب امامت بر سایرین مقدم و دو فرزند او امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را امامان پس از او می‌دانند. تاریخ پیدایش زیدیه، به قرن دوم هجری بازمی‌گردد. (بیات، ۱۳۹۵: ۴۰). با قیام «زید بن علی»، فرزند امام سجاد (ع)، بر ضد ظلم و ستم‌های امویان، فرقه «زیدیه» شکل گرفت. آنان امام سجاد (ع) را تنها عالم و پیشوای علم و معرفت می‌دانند، نه امام به عنوان رهبر سیاسی و زمامدار امور مسلمین؛ چرا که یکی از شرایط امام از نظر آنان، جهاد مسلحانه بر ضد ظالمان است. زید بن علی (ع) بدان دلیل که در خانواده‌ای رشد کرده بود که همگی روحیه‌ای جهادی داشتند، بر این اساس نمی‌توانست نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی بی‌تفاوت باشد. بنابراین زمانی که مشکلات و بی‌عدالتی‌های جامعه اموی را مشاهده کرد، نتوانست سکوت کند و تصمیم

به قیام گرفت. اما در نهایت پس از سه روز نبرد متوالی با آنان، تیری بر پیشانی‌اش اصابت کرد و به شهادت رسید.

قبل از تشکیل دولت‌های زیدیه در قلمرو مسلمانان، جنبش‌های زیدیه مختلفی شکل گرفت. اما این قیام‌ها در دوران امویان و عباسیان در بیشتر موارد منجر به شکست گردید و آنان نتوانستند به حکومت برسند و عدالت را برقرار سازند. زیدیان که در کل قیام‌گرهائی قهار بودند، ابتدا در مغرب و سپس در نواحی شمال ایران و در نهایت در یمن دولت تشکیل دادند.

۱-۳-۱. تشکیل و تثبیت حکومت زیدیه (قرن سوم هجری)

از صدر اسلام تا دوران معاصر، حکمرانی بر یمن میان امامان زیدی، صالحیان اسماعیلی، آل رسول و آل طاهر دست به دست شده است. در میان این حکومت‌ها، پایدارترین و گسترده‌ترین دولت، به دست امامان زیدی پی‌ریزی شد.

آمدن زیدیه به یمن به سال‌های پایانی قرن دوم هجری بازمی‌گردد. زمانی که ابن طباطبا دعوت خود را رسماً آشکار کرد، «ابراهیم بن موسی» را به یمن فرستاد. او در یمن برخی از قبایل را به سوی خود جذب کرد، ولی در جنگ با عباسیان در سال ۲۰۱ ه.ق. شکست خورد و به بغداد رفت اما روابطش را با برخی قبایل یمنی قطع نکرد تا آنکه هادی الی الحق، یحیی بن حسین، به یمن آمده و دولت زیدیه را بنا نهاد. بنابراین، از زمان ابراهیم بن موسی تا ورود هادی الی الحق به یمن در سال ۲۸۰ ه.ق.، حضور فعالی از زیدیان در یمن مشاهده نمی‌شود.

تا اواسط قرن سوم هجری، قیام‌های زیدیه در نقاط مختلف جهان اسلام ادامه داشت. معمولاً این قیام‌ها بجز در مواردی اندک که با موفقیت‌های موقت و مقطعی همراه بود، در بقیه موارد به شکست‌های سختی منجر می‌شد. در نیمه نخست قرن سوم هجری، افرادی در میان شیعیان زیدی پیدا شدند که نقش بسیار مهمی در تولد و احیای مجدد این مذهب داشتند. در رأس این افراد می‌توان از قاسم بن ابراهیم، مشهور به قاسم رسی (متوفای ۲۴۶ ه.ق.) و احمد بن عیسی بن زید (متوفای ۲۴۷ ه.ق.) نام برد. این افراد گرچه در مبارزات سیاسی خود چندان پیشرفتی نداشتند و مجبور به عقب‌نشینی شدند، اما با تألیف کتب و رساله‌های متعدد و باارزشی به مذهب زیدیه سر و سامان بخشیدند.

شکل‌گیری جدید اندیشه در مذهب تشیع زیدیه، مقارن با پدید آمدن نقطه عطفی مهم در مبارزات سیاسی زیدیان در همین دوره بود؛ چرا که از اواسط قرن سوم ه.ق. به مرور مبارزات سیاسی آنان وارد مرحله جدیدی شد و به جای شورش‌های منطقه‌ای ضد دستگاه حاکمیت، امامان زیدی با به دست گرفتن رهبری حکومت‌ها در ایران و یمن در رأس قدرت قرار می‌گرفتند. این حکومت‌ها، پیروزی‌های جدیدی را برای زیدیه به ارمغان آوردند، در حالی که پیش‌تر، حکومت ادریسیان در مغرب، تنها نمونه برای موفقیت چشمگیر در تجربه سیاسی زیدیه مطرح می‌شد.

پس از ناصر اطروش، فرزندان و نوادگان او با دیگر علویان و احياناً با همدیگر بر سر حکمرانی درگیر شدند ولی در میان جانشینان وی، حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر، موفق‌تر از بقیه حکومت زیدیه را رهبری کرد. پس از کشته شدن او در سال ۳۱۶ ه.ق، با درگیری‌های داخلی و فترت‌های طولانی تا فراگیر شدن حکومت صفویه در ایران ادامه داشت. دوره معتمد عباسی را باید دوره رشد تمایلات استقلال‌طلبان در یمن به شمار آورد. در واقع ظلم و ستم والیان عباسی و بی‌کفایتی آنان در اداره امور، رهبران قبایل را به فکر حکومت در منطقه یمن انداخت.

از آغاز زمان خلافت متوکل و شکل‌گیری قدرت آل یعفر، از قدرت و نفوذ عباسیان در یمن کاسته شد. بنابراین عواملی همچون از میان رفتن یکپارچگی و وحدت از اوایل قرن سوم هجری، عزل و نصب‌های فراوان حاکمان و بی‌توجهی آنان به اداره امور و درنهایت درگیری‌های قبیله‌ای به شیعیان فرصت داد تا به فکر برآورده شدن آرزوهای خود که همانا برقراری حکومت شیعی بود، بيفتند. از آن زمان تا دوران معاصر، یمن به‌ویژه قسمت‌های شمالی آن، پایگاه سنتی شیعیان زیدی گردید و امامان و شخصیت‌ها و جریان‌های فکری متنوعی در آن منطقه ظهور کرده‌اند که از زمان تشکیل تا انقراض خود، در این منطقه، چهار دوره مهم را پشت سر گذاشته است.

۱-۳-۲. دوره اول دولت زیدیه

پس از وفات هادی یحیی بن حسین در سال ۲۹۸ ه.ق. ترجمان‌الدین احمد بن یحیی الهادی معروف به احمد ناصر، فقیه، اصولی، متکلم، محقق، شاعر و سومین فرمانروا از آل طباطبا پس از کناره‌گیری برادرش محمد المرتضی ادیلن الله در (۳۰۱ ه.ق) به امامت رسید. (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل مدخل آل طباطبا) پس از وفات احمد زیدیه دچار اختلافات و کشمکش‌های شدید داخلی با اسماعیلیان شدند. تا اینکه در اواخر قرن چهارم یکی از نوادگان «قاسم رسی» به نام «قاسم بن علی عیانی» به عنوان امام زیدی و حاکم این کشور مطرح شد و به امامت زیدیه رسید. پس از وی فرزندش حسین، ملقب به مهدی الدین الله، جانشین او شد. او پیروانی خاص داشت که به نام «فرقه حسینی» معروف شدند. پس از حسین بن قاسم عیانی که پیروانش معتقد به غیبت و مهدویت وی شدند، افراد دیگری نیز به مقام امامت رسیدند که از بردن نام آن‌ها صرف نظر می‌شود و سرانجام درگیری‌های داخلی و خارجی بار دیگر بر زیدیه غالب شد و با کشته شدن آخرین امام این دوره در سال ۴۴۴ ه.ق. به دست اسماعیلیان، زیدیه به مدت یک قرن دوران افول و خاموشی را تجربه کردند و به مرور زمان، اسماعیلیان بر قلمرو آنان تسلط یافتند. (عبدالسلام بن عباس، ۲۰۱۴/۱۴۳۵: ۷۳۴)

۳-۱-۳. دوره دوم دولت زیدیه

در این دوره، زیدیان دوباره به یاری احمد بن سلیمان، حکومت را از اسماعیلیان باز پس گرفتند و به قدرت رسیدند. این دوره طولانی‌ترین دوره دولت زیدیه است. در سال ۵۳۲ ه.ق. متوکل علی الله احمد بن سلیمان، از نوادگان هادی الی الحق بود. وی مذهب زیدیه را رمقی دوباره بخشید و پس از تلاش‌های فراوان موفق شد حکومت زیدیه را در قسمت‌های شمالی یمن گسترش دهد.

پس از او منصور بالله عبدالله بن حمزه که یکی از تأثیرگذارترین امامان زیدیه محسوب می‌شد، به امامت زیدیه منصوب شد. پس از فوت وی، امامان زیدی که اکثر آن‌ها از نوادگان قاسم رسی و از سادات حسینی بودند، یک به یک به این مقام رسیدند. پس از یحیی بن شرف‌الدین، فرزندش «مطهر» و سپس چند امام دیگر نیز روی کار آمدند، اما به دلیل تنگ شدن عرصه یمن توسط ترکان عثمانی در آن دوره، بار دیگر عرصه سیاسی یمن از حکومت امامان زیدیه خالی ماند. این دوره نیز همانند دوره اول با عدم استقرار و اضطرابات سیاسی توأم بود.

۳-۱-۴. دوره سوم دولت زیدیه

امام منصور بالله قاسم بن محمد، از نوادگان هادی الی الحق، در سال ۱۰۰۶ ه.ق، امام زیدیان گردید. وی برای رهایی یمن از دست ترکان عثمانی بسیار تلاش کرد. در این دوره دوباره زیدیان به کمک او حکومت را از عثمانیان باز پس گرفتند و مجدداً به قدرت رسیدند. از منصور بالله قاسم بن محمد به دلیل مقام علمی و تلاش‌های بسیار در احیای مکتب زیدیه در ابتدای قرن یازدهم که در قالب تألیفات و تربیت شاگردانی مؤثر بروز کرد، به عنوان «مجدد مذهب زیدی» در دوره سوم دولت زیدیه یاد شده است.

پس از وفات وی در سال ۱۰۲۹ ه.ق. دو فرزند او، مؤید بالله «محمد ابراهیم بن القاسم» و «متوکل علی الله اسماعیل» به مقام امامت رسیدند و هر دو از امامان شاخص و مهم مذهب تشیع زیدیه محسوب می‌شوند. بعد از آن به تدریج حکومت امامان تشیع زیدیه رو به ضعف نهاد. این عامل و نیز درگیری‌های داخلی و نزاع میان مدعیان امامت، سرانجام به بازگشت ترکان عثمانی و اشغال مجدد یمن منجر شد. بدین ترتیب دوره سوم دولت زیدیه بر یمن در تاریخ ۱۲۸۹ ه.ق. به پایان رسید.

۳-۱-۵. دوره چهارم دولت زیدیه

در حقیقت باید گفت که از سده (۱۱ ه.ق.) فرمانروایی امامان زیدی دچار آشفتگی بیشتر و تبدیل به نوعی ملوک الطوائفی گردید و با انقلاب‌ها و شورش‌های بسیاری روبه‌رو بودند. این نافرمانی‌ها از سوی قبایل و رقیبان سیاسی و محلی سر می‌زد. (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل آل طباطبا) در سال (۱۲۶۹ ه.ق.) فرمانروایی از آل قاسم بیرون رفت و منصور محمد بن

عبدالله وزیر به قدرت رسید. (متوفای ۱۳۰۷ ه.ق.) پس از وی نیز آخرین دوره از حکومت زیدیان در یمن با دعوت منصور بالله محمد بن یحیی حمیدالدین از این خاندان به امامت رسید. (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۴، ص: ۳۴) از سال (۱۹۱۱م) که امامت حمیدالدین محقق شد، تا سال ۱۹۶۲ میلادی (۱۳۸۲ هجری قمری) به مدت ۷۵ سال، این خاندان در یمن حاکم بودند. بعد از حمیدالدین، پسر و نوه او یمن را به صورت سیستم پادشاهی، اما با همان خاستگاه نظام امامت زیدی را اداره کردند. (شلاق ویر ۲۰۰۷) یکی از مهم‌ترین اتفاقات در این دوره، کودتای (۱۹۴۸م) علیه این حکومت انجام گرفت که با ترور امام متوکل یحیی، در این سال به حکومت طولانی وی بر یمن پایان داده شد. گام آغازین انقلاب با ترور متوکل یحیی حمیدالدین رقم خورد، ولی طولی نکشید که فرزند او کودتاچیان را شکست داد و سردمداران آن را اعلام کرد و ناصر احمد حمیدالدین به عنوان سومین و آخرین امام سلسله حمیدالدین بر سر کار آمد. (قائد المسعودی، ص ۳۰۲) درنهایت با مرگ احمد بن یحیی در سال (۱۹۶۲ م) کار سلسله حمیدالدین به انتها رسید. پس از مرگ او، فرزندش محمد بدر جانشین او گردید که تعدادی از نظامیان که از سوی حکومت مصر حمایت می‌شدند، بر ضد وی کودتا کردند. (برهونی ۲۰۱۱) و در نتیجه این اتفاق، عملاً حکومت امان زیدی ساقط و نظام سیاسی یمن به «جمهوری عربی» تغییر یافت. در نتیجه این کودتا، یمن درگیر منازعات داخلی گردید که تا اواخر دهه ۶۰ میلادی به طول انجامید و در نهایت به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. سرانجام طومار حکومت زیدیان یمن با انقلاب یمن به رهبری عبدالله السلال و اعلام جمهوری در این کشور در ۱۹۶۲ م درنور دیده شد. (دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ذیل آل طباطبا) و زیدیان یمن از قدرت سیاسی محروم شدند.

۲- بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک

دومین محوری که نظریه اسکینر حول آن شکل می‌یابد، بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک می‌باشد. ما این بررسی را در سه گروه تشیع ساکن در یمن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱. بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک امامیه در یمن

تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، شیعیان دوازده امامی با تعداد خیلی اندک در یمن یافت می‌شدند و بسیار پراکنده بودند، اما پس از پیروزی انقلاب، تغییراتی در این زمینه ایجاد شد و آنان به مرور زمان تشکیلاتی را برای خود فراهم کردند. اکثر این شیعیان رهیافتگانی هستند که قبلاً مذاهب دیگری داشته‌اند.

شیعیان امامیه در منطقهٔ مارب مرکزی زندگی می‌کنند و اغلب سرگرم فعالیت‌های فرهنگی هستند و زیر نظر سازمان «شیعه الجعفریه فی الیمن» قرار دارند. بیشتر شیعیان دوازده امامی یمن را نخبگان، اساتید دانشگاه، روحانیون و پزشکان تشکیل می‌دهند و بیشتر شیعیان زیدی پیرو فرقهٔ «جارودیه» هستند که این فرقه به شیعهٔ دوازده امامی بسیار نزدیک است.» (جعفریان، ۱۳۸۵: ۴۶۵-۴۶۲).

۲-۲. بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک اسماعیلیه در یمن

اسماعیلیه در مدت زمان نسبتاً کوتاهی بعد از انشعاب از شیعه موفق شدند دولت فاطمی را در مصر و بعد از انشعاب داخلی، حکومت نزاری را در الموت تأسیس نمایند و تهدیدی جدی علیه عباسیان از شرق و غرب باشند. بعد از سقوط دولت‌های فاطمی و نزاری، آنان دیگر هرگز نتوانستند قدرت گذشتهٔ خود را به دست آورند و به دورافتاده‌ترین کشورهای جهان اسلام مخصوصاً یمن و شبه‌قاره هند پناه بردند و در حال حاضر در حدود ۲۵ کشور جهان پراکنده هستند.

نهضت اسماعیلیه در نیمه اول قرن دوم هجری در عرصه حیات دینی و سیاسی گام نهاد و حدود یک قرن و نیم با جمعی از امامان مستور و داعیان فعالیت نمود. در پایان قرن سوم هجری نیز با تشکیل حکومت در شمال آفریقا، خود را به عنوان دولت تازه‌ای نشان داد و توانست سیاست‌های حکومتی خود را در بسیاری از نواحی جهان اسلام گسترش دهد. بی‌شک پیروزی‌های پی در پی این نهضت، مرهون داشتن یک ساختار پیچیده و منسجم سیاسی و دینی به نام «سازمان دعوت» بود که به تصریح منابع (یاقوت حموی، بی‌تا، ج ۳: ۲۴۱) از «سلمیه» در شام رهبری می‌شد. (زکار ۱۹۸۷، ج ۱: ۲۷۲) این سازمان تأثیر چشم‌گیری در جذب و گسترش دعوت در میان پیروان این فرقه و تحکیم حکومت آنان طی حدود سه قرن داشت. هرچند اسماعیلیان از آغاز فعالیت خویش بنا به مقتضیات و اوضاع زمان، چندان وجههٔ سیاسی خود را نشان نمی‌دادند، بی‌شک اهداف سیاسی، اجتماعی و عقیدتی، از جمله برنامه‌های مهم سازمان دعوت بوده است. جنبش اسماعیلی توانست خود را به صورت یک سازمان انقلابی پویا نشان دهد که امر دعوت را از طریق شبکه‌ای از داعیان، تبلیغ و رهبری می‌کرد. در رأس این سازمان مخفی، دست هدایت‌کننده یک رهبری مرکزی و نیرومند فعالیت می‌نمود. (دفتری، ۱۳۷۵: ۱۲۶) سازمان دعوت اسماعیلیه اهداف زیر را دنبال می‌کرد:

۱. براندازی عباسیان

۲. دستیابی به خلافت

۳. ترویج اندیشه‌ها و اصول عقاید اسماعیلی (شریفی و چلونگر ۱۳۹۶)

روش خاص امامیه، موجب شده بود بعضی از پیروان آنان که خواستار اقدام عملی و نظامی در برابر حاکمیت عباسیان بودند، به اسماعیلیه روی آورند. از این دسته می‌توان به سه رهبر

برجسته اسماعیلیان در اواخر قرن سوم به نام‌های «ابن حوشب، (منصور الیمن)، «ابن فضل رهبران اسماعیلیه یمن» و «ابو عبدالله شیعی» رهبر اسماعیلیه آفریقیه اشاره نمود که به نقل برخی منابع، هر سه در ابتدا امامی مذهب بودند و بعد به آیین اسماعیلی روی آوردند. (قاضی نعمان، ۱۹۰۷: ۳ و ابن خلدون، ۱۴۰۸، ج ۳: ۳۶۳).

شیعیان اسماعیلی ساکن در مناطق جنوبی عربستان همانند شیعیان زیدی این منطقه، امتداد اسماعیلیان یمن هستند که پس از اشغال این مناطق توسط عربستان سعودی در سال ۱۹۳۴ به لحاظ جغرافیایی از یمن جدا شده است، اما به لحاظ اعتقادی و بنیان‌های فکری، همچنان پیوند خود را با گذشته حفظ نموده‌اند؛ به طوری که اسماعیلیه‌های یمن در مسائل مختلف، نظر به مراکز اسماعیلیه نجران دارند.

جدا از پیوندها و اشتراکات قومی و مذهبی بین زیدی‌ها و اسماعیلی‌های دو منطقه شمال یمن و جنوب عربستان، این دو مذهب در ساخت فکری و جهان‌بینی نیز وجوه مشترک فراوانی با یکدیگر دارند؛ از جمله این وجوه می‌توان به شجاعت، ظلم‌ستیزی، لزوم خروج بر ظالمان و مستکبران و اقدام به جهاد و قیام مسلحانه اشاره کرد. این توان بالقوه در این نقطه جغرافیایی، بستر و محیط مناسبی برای شکل‌گیری استوانه دیگری در غرب آسیا برای تقویت نمودن محور مقاومت است. توانی که با درایت، تدبیر و سازمندی، امکان بالفعل شدن آن افزایش می‌یابد. ابوالقاسم حسن بن فرج بن حوشب کوفی و علی بن فضل، که برای دعوت مردم به مذهب اسماعیلیه به یمن فرستاده شده بودند، در کوهستان‌ها و ارتفاعات صنعا برای ایجاد پایگاه تبلیغاتی و نظامی مستقر شدند. از این پایگاه، بیشتر قبائل حمدانی و حمیری یمن به این مذهب گرویدند و مجموع این عوامل باعث شد ابن فضل بتواند در سال ۲۹۳ ه.ق، صنعا پایتخت کنونی یمن را تصرف نماید. هرچند حکومت وی و فرزندانش در یمن بیش از چند سال دوام نیاورد.

ادعای پیامبری توسط ابن فضل و قطع حمایت خلافت اسماعیلیان در مصر از یک سو و اختلاف با زیدیه از سوی دیگر، شرایط را برای نابودی وی مهیا ساخت و نیروهای زیدیه پس از درگیری‌های مختصر به حکومت او پایان بخشیدند. بعد از مرگ ابو حوشب، در ۴۲۹ ه.ق داعی «علی بن محمد صلیحی»، سلسله اسماعیلی «صلیحیون» را بنیان نهاد. سلسله صلیحی نیز یک قرن بر یمن حکومت کرده و در سال ۵۶۹ هجری قمری به دست ایوبیان از بین رفت. در این دوره مقدمات گسترش اسماعیلیه در عربستان فراهم شد. حضور فعال داعیان صلیحی در جنوب عربستان و حتی حجاز و سیطره تبلیغاتی بر منابر و مساجد مکه و مدینه موجب شد، برای مدتی با وجود نابودی اسماعیلیون در شبه جزیره، ثمره تلاش‌ها و تبلیغات آن‌ها برای رواج اسماعیلیه هنوز از بین نرفته است و امروز هم در یمن و هم در عربستان سعودی، اسماعیلیون بخش بزرگی از جمعیت را به خود اختصاص داده‌اند. ظهور اسماعیلیه در صحنه تاریخ همواره با جنبش سیاسی و دینی همراه بوده است. جنبشی که مشخصه اصلی آن،

مخالفت و ضدیت انقلابی با نظام خلافت عباسی بود. عدالت خواهی و ظلم ستیزی در قاموس اعتقادی و عملکردهای سیاسی و اجتماعی آنان جایگاه والایی داشته است. با توجه به تاریخ ظلم ستیزانه و انقلابی اسماعیلیون و روحیه قبیله‌ای و سلحشوری اسماعیلیه یمن می‌توان گفت انقلاب ۲۰۱۴ یمن بدون حضور این اقلیت مهم به پیروزی نمی‌رسید.

۳-۲. شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک زیدیه در یمن

یکی از دلایل اهمیت کشور جمهوری یمن، قرار داشتن آن در میان سه منطقه مهم جهان است. شرایط فرهنگی موجود در این کشور و حکمرانی یک جریان خاص در آن تأثیرات مهمی در سه منطقه خلیج فارس، شاخ آفریقا و آسیای جنوب شرقی می‌گذارد. این کشور دارای زندگی قبیله‌ای و جنبش‌های سیاسی متنوع اسلام‌گراست. به طور کلی احزاب در یمن به چند دسته تقسیم می‌شوند:

احزاب چپ مانند: حزب سوسیالیست یمن

احزاب قومی مانند: حزب بعث؛

احزاب اسلامی مانند: جمعیت اصلاح یمن؛

اما در میان فعالیت‌های انجام گرفته، همانند جنبش الأحرار (آزادگان)، اخوان المسلمین، التجمع الیمنی للإصلاح و جنبش شیعی الحوثی، جایگاه جنبش شیعی الحوثی بسیار پررنگ جلوه می‌کند. به جرأت می‌توان اذعان داشت که تنها جنبش شیعی در یمن که به صورت مستقل، هدفمند و سازماندهی شده فعالیت می‌کند و سایر گروه‌های شیعی نیز در زیر چتر همین جنبش فعالانه مبارزه می‌کنند، «جنبش شیعی الحوثی» است.

با کودتایی که در سپتامبر ۱۹۶۲ و توسط عبدالله سلال در یمن شکل گرفت، حکومت یمن به جمهوری تبدیل شد و امامان زیدی از عرصه قدرت برکنار شدند. در سال ۱۹۶۷ حکومت میانه‌رویی به رهبری «قحطان الشعی» در یمن جنوبی مستقر شد و بدین ترتیب استقلال آن کشور اعلام شد. در نتیجه با جدایی دو قسمت جنوبی و شمالی یمن از همدیگر، «جمهوری دموکراتیک خلق یمن» در قسمت جنوبی و «جمهوری عربی یمن» در قسمت شمالی تشکیل شدند. در اکتبر سال ۱۹۷۸ مجلس قانون‌گذاری «جمهوری عربی یمن»، «سرهنگ علی عبدالله صالح» را از قبیله «حاشید» به منصب رئیس‌جمهوری برگزید. در سال ۱۹۸۳ مجلس قانون‌گذاری برای پنج سال دیگر مجدداً وی را انتخاب کرد. صالح و دبیرکل حزب سوسیال یمن جنوبی «علی سالم البیض» و «اریانی» طی جلسه‌ای جهت اتحاد میان دو کشور، توافقنامه‌ای به امضا رساندند. سپس در اول دسامبر پیش‌نویس قانون اساسی در ۱۳۶ ماده انتشار یافت. براساس این پیش‌نویس، کشور یمن متحد توسط ۵ نفر عضو شورای ریاست جمهوری اداره شود و پایتخت آن شهر، صنعا در نظر گرفته شد و قرار شد پس از طی این مراحل در نوامبر ۱۹۹۰ اتحاد میان دو کشور یمن شمالی و جنوبی محقق شود. در نهایت در

۲۲ می ۱۹۹۰، اتحاد میان دو کشور عملی شد و دو یمن با یکدیگر متحد و به نام «جمهوری یمن» کشور جدیدی به وجود آمد. روز بعد، جلسه مشترکی در مجلس یمن تشکیل شد و نتیجه آن، این که یک شورای ۵ نفره «علی عبدالله صالح» را به ریاست جمهوری انتخاب کرد. «عبدالله صالح» از مدت‌ها قبل با عربستان و آمریکا قراردادهایی منعقد کرده بود که این قراردادهای باعث نزدیکی روزافزون این کشور به آمریکا و عربستان شد. شیعیان زیدیه نیز در منطقه شمالی یمن با کشور عربستان سعودی همسایه و هم‌مرز هستند و این عامل باعث شده است، فشار آنان بر شیعیان ساکن در این استان مرزی افزایش یابد. نحوه حکومت علی عبدالله صالح از یک سو و آموزه‌ها و تعلیمات زیدیه از سوی دیگر، باعث تشکیل «جنبش شیعی الحوثی» یا همان «انصارالله یمن» در این منطقه گردید. از سوی دیگر، عربستان سعودی همواره سیاست حمایت از گروه‌ها و فرقه‌های سنی مذهب را که به آسانی نمی‌توانند در مقابل عناصر شیعی نظیر زیدیه مقاومت کنند را دنبال می‌کند. (Burke, 2012: 10) به عبارت دیگر، عربستان سعودی از بنیادگرایان سلفی در خاک یمن حمایت می‌کند که همین امر در ظهور و پیدایش جنبش حوثی‌ها بسیار مهم بود. (Popp, 2015: 2).

از آن زمان تا کنون، کشتار شیعیان در دستور کار دولت قرار گرفته است؛ چرا که از نگاه دولتمردان یمن، شیعیان یک تهدید برای دولت یمن محسوب می‌شوند. در حال حاضر، شیعیان از حقوق اولیه از جمله آزادی بیان، مدارس دینی، تبلیغ دین و... برخوردار نیستند. در مقابل دولت برای استحکام قدرت خود به اتحاد با غیرشیعیان و دولت‌های فرامنطقه‌ای دست زده است و اوج این جریان در دوره‌های حکومت علی عبدالله صالح و منصور هادی (رئیس جمهور مستعفی و فراری یمن به عربستان) قابل بحث و بررسی می‌باشد. در این میان، حوثی‌ها که یک جریان تشکیلاتی از بین زیدیان یمن هستند، اکنون بازوی قدرت زیدیان محسوب می‌شوند که تلاش می‌کنند جلوی سرکوب شیعیان زیدی در یمن را بگیرند. (بیات، ۱۳۹۵: ۴۹). پیش از این بیان شد که اغلب شیعیان یمن، زیدی مذهب هستند. آنان در استان‌های الصعده، الجوف، صنعا، آب، ذمار، عمران، مارب، حجه، محویت و حدیده سکونت دارند. با دقت در اوضاع اقتصادی این استان‌ها درمی‌یابیم که اغلب از مناطق ثروتمند یمن هستند که منابع عظیم انرژی را در منطقه خود دارا هستند، اما با این وجود ساکنان شیعه آن‌ها در وضعیت اسفناکی به سر می‌برند. با تشکیل جمهوری در یمن، شیعیان زیدی به جریان‌های مختلفی پیوستند. برخی از آنان انزوای سیاسی در پیش گرفتند و از تمام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کناره‌گیری نمودند. برخی دیگر، جذب وهابیت و گروه‌های تکفیری و سلفی شدند و گروه دیگر به سکولار روی آوردند و در نهایت برخی نیز همانند محمد بن علی شوکانی به همکاری با دولت پرداخته و مزد بگیر دولت شدند. شیخ عبدالله الاحمر نیز که از خویشان علی عبدالله صالح و از شیوخ یمن و

طرفدار وهابیت بود، باعث شده بود که تفکر تکفیری و سلفی در یمن از آزادی عمل بیشتری برخوردار باشند.

۳- تأثیر روابط ایدئولوژیک در کنش‌های سیاسی

تحلیل روابط ایدئولوژی با کنش سیاسی تجلی‌بخش آن ایدئولوژی، محور سومی است که اثر اسکینر حول آن شکل یافته است.

جنبش الحوثی‌ها یک جریان سیاسی و مذهبی و دارای ایدئولوژی است که در ابتدا برای زنده کردن تشیع زیدیه و بعدها در واکنش به گسترش وهابیت توسط فردی به نام «سید حسین الحوثی» به وجود آمد. وی فرزند «سید بدرالدین الحوثی» اولین کسی است که به صورت جدی به مبارزه با تفکر استکباری و وهابیت پرداخت. چرا که سلفی‌های رادیکال سعودی با حضور در یمن در پی نابودی جنبش شیعیان موسوم به زیدیه بودند. (Salisbury, 2015: 3-4).

سید بدرالدین با شروع قیام امام خمینی (ره) و از ابتدا از انقلاب ایشان حمایت کرد. وی شدیداً تحت تأثیر رهبران انقلاب ایران قرار داشت و با الهام‌گیری از تفکر آن‌ها یک تنه در برابر وهابیت ایستاده بود. وهابیت نیز با حمایت آمریکا سید را از خانه و کاشانه خویش آواره نمودند و او زمانی که منزلش توسط آنان مورد تجاوز قرار گرفت به ایران آمده و مدت زمانی را در قم اقامت گزید. این سکونت در ایران وی را به رهبران ایران و آرمان‌های انقلابشان نزدیک‌تر نمود. وی ابتدا مبادرت به تشکیل حزب «الحق» نمود. پس از مدتی علما به مخالفت با حزب برخاستند و سعی نمودند تا حزب را از میان بردارند. سید بدرالدین که از این عملکرد آنان ناراضی بود، رو به سوی جوانان آورد و آنان را درگیر حزب نمود و «حزب شباب المؤمن» را با هدف تقابل با نفوذ روزافزون عربستان سعودی تأسیس کرد. نیروهای جوان و نوجوان کثیری در این حزب؛ تحت آموزش‌های فکری و اعتقادی قرار گرفته و تبدیل به نیروهای اکنون انصارالله شدند. سید بدرالدین با این که خود او یک مرجع بزرگ و عالی‌قدری بود، با توجه به مصالح تشیع و ایجاد وحدت و یکپارچگی در این منطقه زیر لوای فرزندش سید حسین قرار گرفت و بدین وسیله از مردم نیز خواست تا آن‌ها نیز از او تبعیت کنند، بنابراین این جنبش در سال ۱۹۹۱ م. با عناوین سیاسی و فکری و با اقدامات مسلحانه اعلام وجود کرد.

هرچند این جنبش در ابتدا با اهداف نظامی تشکیل نیافته بود و با انگیزه‌های دینی و تعالی معنوی و سیاسی همراه بود، اما با گسترش اندیشه‌های سلفی‌گری و تکفیری در این منطقه و اقدامات علی عبدالله صالح و اتحادی با این گروه‌ها در این منطقه و انزوای روزافزون زیدیان، فعالیت‌های مسلحانه نیز در دستور کار جنبش قرار گرفت. بدرالدین الحوثی دارای یک دوره تفسیر ۱۳ جلدی قرآن و کتاب‌های متنوع دیگری می‌باشد که به طور عمده در راستای پاسخ به

شباهت و احیای هویت زیدیه نوشته شده‌اند. این نقطه آغاز باز تفسیر هویت زیدی محسوب می‌شود. در این راستا، شهید حسین الحوثی سخنرانی‌های گسترده در سطح ملی با عناوین مشخص و مبتنی بر مطالعات علمی به انجام رساند. (میر احمدی و احمدوند ۱۳۹۴-۹۳: ۱۵۷-۱۵۶) با مطالعه و تفکر در عملکرد و روش و سیره رهبران شیعی یمن و با مطالعه سخنرانی‌های سید حسین و ارادت وی به امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری بیش از پیش می‌توان به مراتب الگوپذیری ایشان از رهبران انقلاب اسلامی ایران پی برد. (احمدی سفیدان و سعیدی اطهر، ۱۳۹۸: ۱۲۸). او تلاش کرد نسبت به روشنگری اذهان مردم و باورهای اصیل اسلامی مبادرت ورزد. (فیلیس. ۲۰۰۸) به عنوان مثال؛ بدرالدین الحوثی از عالمان بزرگ یمن با اینکه زیدی مذهب بود، اما نوع نگاهش به تشیع جعفری در رواج این مذهب در میان شیعیان یمن بویژه در منطقه صعدة بسیار مؤثر بود. (احمدی سفیدان و سعیدی اطهر، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

بعد از حمله یازده سپتامبر ۲۰۰۱ به برج‌های دوقلو در آمریکا، این کشور به بهانه مقابله با حملات تروریستی، اقدام به انعقاد پیمان‌های ضد تروریستی با سایر کشورها نمود. در سال ۲۰۰۴ دولت یمن که از فراگیری حرکت حوثی‌ها واهمه داشت و از اقدامات انقلابی رهبر آن‌ها به ستوه آمده بود، پاداش ۵۵ هزار دلاری را برای دستگیری حسین الحوثی تعیین نمود. (بوک و اوتاوی، بی‌تا)

حضور یمن به عنوان مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در جنگ با تروریسم در خاورمیانه، به حضور نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکایی در این کشور و نیز سفرهای مخفیانه برخی از هیئت‌های اسرائیلی به صنعا را دامن می‌زد که این مسأله، با اعتراض‌های فراوانی در این کشور رو به رو شد. در این میان حسین الحوثی خواستار تحریم کالاهای آمریکایی و اسرائیلی شد. این درخواست با استقبال رسمی مردم یمن رو به رو گردید؛ به گونه‌ای که مردم در نماز جمعه شهر صنعا، پایتخت یمن، شعارهای شیعیان را که عبارت بود از: «الله اکبر، مرگ بر آمریکا و اسرائیل، نفرین بر یهود، اسلام پیروز باد» سر دادند. دولت یمن با تحریک سفارت آمریکا در صنعا و در پاسخ به این شعارها، هزاران نفر از جوانان الحوثی را دستگیر کرد. (طباطبایی فر، ۱۳۹۵: ۱۲۵)

در سال ۲۰۰۳ حوثی‌ها که خود را مدافعان شیعیان زیدی می‌دانند و بازوی مسلح آنان هستند، در اعتراض به حمله آمریکا علیه عراق و اعطای پناهندگی دولت یمن به بعثی‌های عراقی، تظاهرات گسترده‌ای در مقابل سفارت آمریکا در صنعا راه انداختند. تحمل چنین جنبشی برای حکومت یمن که رابطه محکمی با آمریکا داشتند و شیعیان را خطری جدی برای خود می‌دیدند، بسیار گران آمد. در نتیجه تضاد دولت با حوثی‌ها بالا گرفت و دولت یمن با پشتیبانی آمریکا و عربستان سعودی به آن‌ها اعلام جنگ کرد و جنگ طولانی را از جمله جنگ‌های اول تا ششم صعدة علیه حوثی‌ها یا همان جنبش انصارالله رقم زد. این جنگ‌ها به

شهادت حسین الحوثی در سپتامبر ۲۰۰۴ از جانب نیروهای امنیتی دولت یمن به شهادت رسید. (Johnsen, 2009:76) و امتناع از تحویل جسد وی منجر شد. وقتی از رئیس جمهور یمن در این مورد سؤال کردند، او گفت: «آیا قصد دارید حرم مقدسی برای همه مردم یمن بسازید؟» این رویداد سال‌هاست به جنگی تمام عیار میان شیعیان و دولت بدل شده است که آتش آن تاکنون ادامه دارد. پس از شهادت او، برادرش عبدالملک الحوثی رهبری این جنبش را بر عهده گرفت و موفق شد تا در تحولات یمن، زعامت بخش عمده‌ای از شیعیان یمن را بر عهده بگیرد. مراسم تشییع و خاک‌سپاری حسین الحوثی ۹ سال پس از شهادتش، در ۵ ژوئن ۲۰۱۳ مصادف با ۲۵ رجب ۱۴۳۴ قمری برگزار شد و در نهایت پیکر رهبر فقید شیعیان یمن، پس از تشییع بر قله کوهی «الجمیمه» در منطقه «مران» در استان صعده به خاک سپرده شد.

نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های ناشناخته، تحلیلی روش‌شناسی کونتین اسکینر است که قابلیت کاربرد در عرصه‌های سیاسی را داراست. در توصیفی کلان می‌توان روش اسکینر را ترکیبی از گرایش‌های متن‌محور و زمینه‌محور در نظریه‌های هرمنوتیک دانست. نظریه وی از همان آغاز حول سه محور تفسیر متون تاریخی، بررسی شکل‌گیری و تحول ایدئولوژیک و تحلیل روابط ایدئولوژی با کنش سیاسی تجلی‌بخش آن ایدئولوژی شکل یافته است. بر این اساس، ما کنش‌های سیاسی گروه‌های شیعی در یمن را مورد بررسی قرار دادیم. یافته‌ها نشانگر این است که کنش‌های سیاسی شیعیان یمن، به تحولات سیاسی و تحریک دولت یمن توسط عربستان برای مهار شیعیان، منجر به درگیری حکومت مرکزی با آنان در سال ۲۰۰۴ گردید. این جریان منجر به کنش‌های سیاسی و اقدامات رادیکال مآبانه گردیده و سال‌هاست که شیعیان یمن را درگیر جنگ‌های داخلی و جنگ با وهابیون عربستان سعودی نموده است. با بررسی بستر اجتماعی یا کانتکس شیعیان یمن و با توجه به نظریه اسکینر، به این نتیجه دست پیدا می‌کنیم که شرایط به گونه‌ای بود که منجر به ظهور شخصیت‌ها و جریان‌های فکری متنوعی گردید. یکی از اندیشه‌های مهم و بنیادین، قیام به شمشیر (سیف) است که به وسیله زبیدیه مطرح و تداوم یافت.

علاوه بر این، شیعیان زیدی امامت را امری ضروری می‌دانند که با قیام استقرار می‌یابد. تفسیر این شیعیان (زیدی) از مفهوم امامت هرچند در حوزه نظری، ایشان را در مقایسه با سایر فرق شیعی آنها را معتدل و میانه‌رو نشان می‌داد، اما در هنگام عمل در مواجه با کنش سیاسی، دست به اقدام تند می‌زدند. حاصل این اقدامات، متأثر از کانتکس آنان بود که منجر به برپایی شورش‌های متعدد و در نهایت تشکیل حکومت‌هایی مستقل در نقاطی از جهان بخصوص در قسمت‌های شمالی یمن گردید. پس از تسلط انصارالله، مصداق بارز شیعیان فعال زیدی بر شهر صنعا و بیشتر مناطق یمن، این هراس در دل دشمنان آنها به وجود آمد که با تشکیل دولت

شیعی در یمن، موازنه قدرت در منطقه بهم می‌خورد؛ لذا این امر بیشتر موجب عکس‌العمل وهابیون عربستان سعودی گردید که نتیجه آن تحمیل نمودن جنگی نابرابر علیه شیعیان یمن بود. «امروزه نیز یمن بین جنبش حوثی‌ها که شمال این کشور را در اختیار دارند و ضد حوثی-ها؛ یعنی ائتلاف غربی‌ها و شورای همکاری‌های خلیج فارس تقسیم شده است.» (1: 2015 Louise). بنابراین ضرورت شناخت بیشتر زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی شکل‌گیری گروه‌های شیعی دارای کنش‌های سیاسی در یمن بیشتر آشکار می‌شود.

اینک هماهنگی میان شیعیان دوازده امامی و شیعیان زیدی باعث وحدت خاصی شده است؛ چرا که خطری مشترک، یکی تهدید از سوی وهابیت و از سوی دیگر استکبار جهانی بویژه آمریکا متوجه آنان است. در نتیجه می‌کوشند تا با ایجاد وحدت در میان خود بر همه مشکلات فائق آیند.

کتابنامه

۱. احمدی سفیدان، حسین، سعیدی اطهر، مولود (۱۳۹۸)، نقش انقلاب اسلامی ایران در همگرایی جنبش‌های اسلامی منطقه با تأکید بر شیعیان یمن، پژوهش‌های انقلاب، ۸ (۲۸): ۱۲۱-۱۴۰.
۲. بیات، مرتضی، (۱۳۹۵)، تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر پیدایش جنبش الحوثی یمن، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳. جان احمدی، فاطمه، (۱۳۸۵)، داعیان حکومت‌گر صلیحی در یمن، فصلنامه علمی، پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ۱۶ (۵۹): ۳۳-۵۶.
۴. جعفریان، رسول، (۱۳۸۷)، اطلس شیعه، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۵. حسینی، میرهادی، (۱۳۹۴)، مبانی اقتدار در تفکر اسماعیلیه، جستارهای تاریخی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۶ (۲): ۲۱-۴۲.
۶. حقیقت، سیدصادق، (۱۳۸۵)، روش‌شناسی علوم سیاسی، انتشارات دانشگاه مفید.
۷. دفتری، فرهاد، (۱۳۶۷)، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۸. دفتری، فرهاد، (۱۳۶۳)، غزالی و اسماعیلیه، مجله معارف، ۱ (۳): ۱۷۹-۱۹۸.
۹. رحمانی، علی، (۱۳۹۷)، اسماعیلیه در مسیر انقلاب، تهران: مطالعات بین‌المللی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.
۱۰. زکار، سهیل، (۱۹۸۷)، الجامع فی اخبار القرامطه فی الاحساء، مجلد ۱، سوریه، دمشق.
۱۱. طباطبایی فر، سید محمد، (۱۳۹۵)، حوثیان یمن، تهران: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱۲. شریفی، جعفر و چلونگر، محمد علی، (۱۳۹۶)، بررسی تطبیقی سازمان وکالت امامیه و سازمان دعوت اسماعیلیه در اهداف و اصول سازمانی، ۱۵ (۵۷): ۳۱-۶۴.
۱۳. شیخ حسینی، مختار، (۱۳۹۴)، جنبش انصار الله یمن، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام.
۱۴. فرمانیان، مهدی و علی، موسوی نژاد، (۱۳۸۹)، درسنامه تاریخ و عقاید زیدیه، قم، نشر ادیان.
۱۵. فوزی، یحیی، (۱۳۹۱)، علل شکل گیری و ماهیت جنبش های سیاسی در خاورمیانه، بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱ (۱): ۱۷-۳۴.
۱۶. قاضی نعمان، (۱۹۷۰)، افتتاح الدعوه وابتداء الدوله، بیروت: دارالتقافه.
۱۷. مداحی، مرتضی، (۱۳۹۸)، سیر تطور جهان شناسی اسماعیلیه و تأثیر آن بر دعوت دینی آنان، مجله معرفت، ۲۸ (۲۶۰): ۱۱-۳۱.
۱۸. موسوی، سید محمد و باقری فر، محسن، (۱۳۹۴)، نظریه سازه انگاری و بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش انصارالله یمن، پژوهش های انقلاب اسلامی، ۴ (۱۴): ۲۰۷-۲۲۹.
۱۹. موسوی بجنوردی، سید کاظم، (۱۳۶۸)، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: انتشارات دایره المعارف اسلامی.
۲۰. موسوی نژاد، سید علی، (۱۳۸۴)، «زیدیه از ظهور تا تاسیس حکومت» پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۴ (۱۳-۱۴): ۲۵۱-۲۶۸.
۲۱. موسوی نژاد، سید علی، (۱۳۹۲)، مجموعه مقالات همایش بین المللی ناصر کبیر (اطروش)، قم: مجمع جهانی اهل بیت.
۲۲. میراحمدی، منصور و احمدوند، ولی محمد، (۱۳۹۴)، هویت و مبانی فکری جنبش انصارالله در یمن، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱ (۲): ۱۴۵-۱۶۵.

References

1. Ahmadi Sefidan, Hossein, Saeedi Athar, Moloud (2019), The Role of the Islamic Revolution of Iran in the Convergence of Islamic Movements in the Region with Emphasis on the Shiites of Yemen, *Revolutionary Studies*, 8, (28): 121-140. (in Persian)
2. Bayat, Morteza, (2016), The Impact of the Islamic Revolution of Iran on the Emergence of the Houthis Movement in Yemen, Tehran : Amir Kabir Publishing Institute. (in Persian)
3. Burke, Edward. (2012). "One blood and one destiny? Yemen's relation with the gulf cooperation council". *Foreign policy research*, 1, (23): 39-57.
4. Daftari, Farhad, (1984), Ghazali and Ismaili, *Journal of Education*, 1, (3): 179-198. (in Persian)

5. Daftari, Farhad, (1988), The Great Islamic Encyclopedia, Tehran, The Great Islamic Encyclopedia Center . (in Persian)
6. Farmanian, Mehdi and Ali, Mousavinejad, (2010), Textbook of Zaydi History and Beliefs, Qom, Religions Publishing. (in Persian)
7. Fawzi, Yahya, (2012), Causes of formation and nature of political movements in the Middle East, A case study of the political movement in Yemen, *Quarterly Journal of Political Studies of the Islamic World*, 1,(1):17-34(in Persian)
8. Haghighat, Seyed Sadegh, (2006), Methodology of Political Science, Mofid University Press. (in Persian)
9. Hosseini, Mir Hadi, (2015), Fundamentals of Authority in Ismaili Thought, *Historical Researches of the Institute of Humanities and Cultural Studies*, 6(2)21-42.(in Persian)
10. Jafarian, Rasoul, (2008), Tehran Shiite Atlas, Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces.
11. Jan Ahmadi, Fatemeh, (2006), The claimants of a righteous ruler in Yemen, *Al-Zahra University Humanities Quarterly*, 16, (59): 33-56. (in Persian)
12. Johnsen Gregory(2009)” The six wars .The national: in:
<http://www.ae/apps/pbcs.dll/artiac>.
13. Louis, Avenue. (2015). “Yemen at war”. Crisis Group Middle East
14. Madahi, Morteza, (2019), The evolution of Ismaili cosmology and its impact on their religious invitation, *Journal of Knowledge*, 28, (260): 11-31. (in Persian)
15. Mir Ahmadi, Mansour and Ahmadvand, Vali Mohammad, (2015), Identity and Intellectual Foundations of the Ansarullah Movement in Yemen, *Quarterly Journal of Political Thought in Islam*, 1 (2):145-165. (in Persian)
16. Mousavi Bojnourdi, Seyed Kazem, (1989), The Great Islamic Encyclopedia, first edition. (in Persian)
17. Mousavi, Seyed Mohammad and Bagherifar, Mohsen, (2015), Theory of Constructivism and Reflection of the Islamic Revolution of Iran Ansarullah Yemen Movement, *Research of the Islamic Revolution*, 4, (14): 207-229.(in Persian)
18. Mousavinejad, Seyed Ali, (2005); "Zaydiyya from the emergence to the establishment of the government: *Research Journal of Islamic Wisdom and Philosophy*, 4, (13-14): 251-268. (in Persian)
19. Mousavinejad, Seyed Ali, (2013), Proceedings of the International Conference of Nasser Kabir (Atroush), Qom, World Assembly of Ahl al-Bayt. (in Persian)
20. Popp, Roland. (2015). “War in Yemen: Revolution and Squid Intervention”. *Center for Security Studies*, No.175 .
21. Qazi Nu'man, (1970), Opening the Dawa and the Beginning of the State, Beirut, Dar al-Thaqafa.

22. Rahmani, Ali, (2018), Ismailis in the path of revolution, International Studies of the Cultural Front of the Islamic Revolution.
23. Salisbury, Peter. (2015). "Yemen and the Saudi–Iranian: Cold War". *The Royal Institute of International Affairs Chatham House*, 2 (1):89-105.
24. Sharifi, Jafar and Chelongar, Mohammad Ali, (2017), A Comparative Study of the Imami Advocacy Organization and the Ismaili Invitation Organization in Organizational Objectives and Principles, 15, (57): 31-64. (in Persian)
25. Sheikh Hosseini, Mukhtar, (2015), Yemeni Ansar Allah Movement, Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt (as). (in Persian)
26. Tabatabaeifar, Seyed Mohammad, (2016), Yemeni Houthis, University of Religions and Religions Publications. (in Persian)
27. Zakar, Soheil, (1987), Al-Jame 'Fi Akhbar Al-Qaramata Fi Al-Ahsa, Volume 1, Syria, Damascus.